

تاتر مدارس

آسیب‌ها، تنگناها، رهیافت‌ها

محمود برآبادی

اشاره:

آن، به عنوان شغل آینده خود نگاه کنند. مجموعه‌ای از این عوامل و برخی عوامل کم‌اهمیت‌تر، باعث شده است که مدرسه به عنوان کارگاه و خواستگاه رشد استعدادها علمی و هنری دانش‌آموزان، نتواند به وظیفه خود جامعه عمل ببوشاند.

اگر از کسانی که هم‌اکنون در تاتر فعالیت می‌کنند، سؤال شود که علاقه به تاتر از چه زمانی در شما به وجود آمد، بسیاری از آنان خواهند گفت، از مدرسه، مدرسه، محلی است که کودک از آن جا پا به دنیای بزرگسال می‌گذارد. او در مدرسه، همراه با آموزش‌های رسمی، تمرین زندگی را یاد می‌گیرد، در فرآیند اجتماعی شدن شرکت می‌کند و پرداختن به بسیاری از امور را - اعم از اخلاقی، اجتماعی و هنری - تجربه می‌کند.

سن مدرسه، سنی است که دانش‌آموز به استعداد خود پی می‌برد و چنان چه زمینه رشد آن استعداد فراهم باشد در آن عرصه پیشرفت می‌کند. شروع بسیاری از کارها، برای اغلب افراد از مدرسه است؛ گرچه امکان دارد به دلایلی، این شروع ادامه نیافته باشد.

شک نیست که دانش‌آموز روحیه‌ای جست‌وجوکننده و پرسشگر دارد و وقتی در محیطی قرار بگیرد که گروه همسالان در آن حضور دارند، نوعی رقابت ناخواسته در او شکل می‌گیرد که به تکاپوی بیشتر می‌انجامد.

به این ترتیب، مدرسه (به طور اعم یعنی دبستان، راهنمایی و دبیرستان) جایی است که باید بسیار به آن توجه کرد و دانش‌آموز، فردی است که در چنین محیطی پرورش می‌یابد و مدرسه بی‌گمان تأثیر شگفت‌انگیزی در پرورش شخصیت دانش‌آموزان و کشف استعدادها پنهانی آنان دارد.

تنگناها

برخی عوامل بازدارنده، برخاسته از نظام آموزشی ما نیست، بلکه به شرایط فرهنگی - اجتماعی جامعه بستگی دارد و در واقع، این شرایط است که سیطره خود را... به‌ویژه در حوزه هنر - بر این نظام تحمیل می‌کند.

۱ - گرچه به نسبت گذشته، از سخت‌گیری خانواده‌ها در قبال فعالیت‌های هنری فرزندان خود - به‌ویژه اگر دختر باشند - تا حدودی کاسته شده است، هم‌چنان این عامل به عنوان یک عامل تأثیرگذار در دوری دانش‌آموزان از فعالیت‌های هنری - به‌ویژه سینما و تاتر - عمل می‌کند.

بسیاری از خانواده‌ها اجازه نمی‌دهند دختر دانش‌آموزشان، در گروه نمایش مدرسه فعالیت کند؛ هرچند این گروه زیر نظر مستقیم اولیای مدرسه و با رعایت کلیه جوانب باشد و البته این محدودیت در شهرستان‌ها، شدت بیشتری دارد.

۲ - به دلیل همین سخت‌گیری برخی خانواده‌ها، حضور دختران دانش‌آموز در نمایش‌های مدارس، کم‌تر از پسران است؛ آن چنان که گاه کارگردان یک نمایش، به دلیل نداشتن بازیگر زن برای نمایش خود، مجبور به حذف برخی از صحنه‌های نمایش یا تغییراتی در آن می‌شود.

چند سال پیش در یکی از شهرستان‌ها به دلیل آن که کارگردان بازیگر زن برای اجرای نمایشنامه‌ای در اختیار نداشت، از یک دانش‌آموز پسر که اتفاقاً چهره‌ای ظریف داشت، استفاده کرد. دانش‌آموزان هم‌کلاس، پس از اجرای نمایش، او را

دانش‌آموزان را از فعالیت‌های فوق برنامه که ممکن است مانعی بر سر راه ورودشان به دانشگاه ایجاد کند، باز می‌دارد.

ت) آزمون سراسری دانشگاه‌ها، به گونه‌ای است که حتی دانشجویان رشته‌های هنری، از میان نخبگان رشته‌های ریاضی - فیزیک انتخاب می‌شوند. به عبارتی، این دانش‌آموزان شانس قبولی بیشتری، حتی در رشته‌های هنری دارند. علاقه‌مندان به رشته‌های هنری، ناچار یا باید از تحصیل در دانشگاه باز بمانند و یا به کلاس‌های آزاد نمایش و بازیگری بروند.

ث) دورنمای تاریکی که برای دانش‌آموختگان رشته‌های تاتر - به جز تعدادی که به دلایلی امکان رشد در جامعه هنری را پیدا می‌کنند - در بازار کار وجود دارد، علاقه‌اندکی را در دانش‌آموزان باقی می‌گذارد که در پی افزایش دانش و تجربه خود در امور هنری و نمایشی باشند و به

آسیب‌ها

ناگفته پیداست که در سال‌های اخیر، توجه به فعالیت‌های هنری، از جمله تاتر در مدارس، به دلایل و اسباب گوناگون کم‌رنگ شده است. پاره‌ای از این دلایل عبارتند از:

الف) نظام آموزشی ما بر یادگیری مطالب به شکل سنتی آن، یعنی خواندن و حفظ کردن تکیه دارد و به دلیل امکانات کم، روش‌هایی چون آزمایش، تجربه، نمونه‌سازی و... را دنبال نمی‌کند.

ب) خانواده‌ها به دلیل شرایط مالی دشوار و هزینه‌های فراوانی که تحصیل فرزندان بر آن‌ها تحمیل کرده است، به پرداخت هزینه بیشتر بابت فعالیت‌های هنری یا علمی تمایلی ندارند و مایلند فرزندشان بچه‌ای درسخوان باشد و هرچه زودتر، تحصیل خود را با کم‌ترین مشکل به پایان برساند.

پ) چگونگی آزمون سراسری و رقابت فشرده‌ای که برای ورود به دانشگاه ایجاد شده،

متن‌هایی که هم‌اکنون وجود دارد، اغلب فاقد جذابیت‌های نمایشی و عناصر دراماتیک است. این متن‌ها بیشتر به گفتارهای اخلاقی شباهت دارد که کم‌ترین تأثیر را بر مخاطب - به‌ویژه اگر دانش‌آموز باشد - بر جای می‌گذارد

فکری کودکان و نوجوانان و یا دیگر ناشران چاپ و منتشر شده است، فقدان متن‌های نمایشی جذاب و با موضوعات مورد علاقه دانش‌آموزان، هم‌چنان به چشم می‌خورد و لازم است که در این زمینه، توجه بیشتری صورت گیرد.

- همان‌گونه که در بخش تنگناها اشاره کردیم، بسیاری از مدارس، فاقد فضاهای نمایشی مناسب برای اجرای تئاتر دانش‌آموزی هستند و این کمبود در مناطق محروم و یا شهرستان‌های کوچک، بیشتر محسوس است. برای حل این مشکل، پیشنهاد می‌شود از امکانات خانه‌های فرهنگ، فرهنگ‌سراها و یا امکاناتی که در اختیار مجتمع‌های فرهنگی است، استفاده شود.

برای فعالیت‌های ورزشی دانش‌آموزان، چنین هماهنگی‌هایی با مجتمع‌های ورزشی انجام می‌گیرد و مثلاً دانش‌آموزان برای برگزاری مسابقات ورزشی، از سالن‌هایی که در اختیار سازمان‌های دیگر است، استفاده می‌کنند. این همکاری را در خصوص تئاتر نیز می‌توان برقرار کرد. بسیاری از فرهنگ‌سراها در ساعات صبح، هیچ‌گونه فعالیتی ندارند و در صورت هماهنگی و برنامه‌ریزی، به یقین این امکان وجود دارد که دانش‌آموزان علاقه‌مند به تئاتر که مدارس آن‌ها اطراف فرهنگ‌سرا یا مجتمع فرهنگی است، ساعتی از روز را برای تمرین یا اجرای نمایش، از این مکان‌ها استفاده کنند.

درست است که رفع بسیاری از مشکلات، به تصمیم‌گیری مسئولان بالاتر و حتی مسئولان کشوری نیاز دارد، اما بسیاری از اقدامات را نیز خود مسئولان مدارس و یا معلمان دلسوز و دانش‌آموزان علاقه‌مند می‌توانند بدون انتظار از مسئولان بالاتر، انجام دهند. حتی اگر همین مقدار از کار هم انجام شود، باز جای امیدواری بسیار است.

بعدی تئاتر حرفه‌ای کشور باشد.

به پاره‌ای از پیشنهادها که بی‌گمان به رونق تئاتر دانش‌آموزی کمک می‌کند، اشاره می‌شود؛ با این امید که از سوی دست‌اندرکاران و مسئولان مورد توجه قرار گیرد:

- اختصاص ساعتی در طول هفته به ادبیات نمایشی در مدارس. در این یک ساعت که می‌تواند بخشی از درس ادبیات فارسی، دستور، انشا و غیره باشد، آموزگار فرصت دارد دانش‌آموزان را با هنرهای نمایشی آشنا کند.

- برگزاری مسابقات تئاتر بین کلاس‌های یک مدرسه و بین مدارس، می‌تواند به تشویق دانش‌آموزان برای ورود به این قلمرو بینجامد. گرچه چنین مسابقاتی کم‌وبیش در بعضی از شهرستان‌ها و برخی مناطق برگزار می‌شود، می‌تواند نظم و ترتیب بهتر و گستره بیشتری داشته باشد.

- دیدار دانش‌آموزان از نمایش‌های در حال اجرا در سالن‌ها که با هماهنگی قبلی، به یقین با تخفیف‌های ویژه برای دانش‌آموزان همراه خواهد بود. حتی می‌توان در برخی موارد، از گروه‌های نمایشی که معمولاً اجرای برنامه آن‌ها در بعدازظهرهاست، برای اجرای در ساعات صبح و در خود مدرسه، دعوت کرد. البته، این در صورتی است که فضای مدرسه، امکان اجرای نمایش را داشته باشد.

- برگزاری مسابقات نمایش‌نامه‌نویسی بین دانش‌آموزان و یا نقدنویسی درباره نمایش‌های مطرح روز و یا در مناسبت‌هایی مانند جشنواره تئاتر، به درگیرشدن دانش‌آموزان علاقه‌مند به موضوع تئاتر کمک می‌کند؛ ضمن آن‌که چه بسیار نمایش‌نامه‌هایی که از دل همین مسابقات بیرون می‌آید و قابل نمایش و اجرا در مدرسه است.

- گرچه در سال‌های اخیر، متن‌های نمایشی چندی از سوی انتشارات مدرسه، کانون پرورش

با همان اسم دخترانه نمایش صدا می‌کردند. این موضوع باعث رنجش دانش‌آموز مزبور شد و او بازی در تئاتر را کنار گذاشت!

۳- یکی دیگر از مشکلات تئاتر مدارس، کمبود فضاهای نمایشی در مدارس است. بسیاری از مدارس، به دلیل کمبود فضای آموزشی، سالنی برای اجتماعات و گردهمایی‌ها ندارند و اگر هم داشته باشند، شرایط لازم برای اجرای نمایش از قبیل: سن، امکانات نور و صدا و... در آن‌ها فراهم نیست. اگرچه انتظار نمی‌رود که برای تئاتر دانش‌آموزی، امکانات حرفه‌ای فراهم باشد، حداقل امکانات هم وجود ندارد.

۴- یکی دیگر از مشکلات، کمبود متن‌های نمایشی است. متن‌هایی که هم‌اکنون وجود دارد، اغلب فاقد جذابیت‌های نمایشی و عناصر دراماتیک است. این متن‌ها بیشتر به گفتارهای اخلاقی شباهت دارد که کم‌ترین تأثیر را بر مخاطب - به‌ویژه اگر دانش‌آموز باشد - بر جای می‌گذارد. اصولاً دانش‌آموزان ما به دلیل روش‌های مستقیمی که در طول این سال‌ها برای آموزش دانش‌آموزان به کار رفته، نسبت به آموزش مستقیم، واکنش تدافعی دارند. آن‌ها از هر چیزی که رنگ و بوی پند و اندرز داشته باشد، گریزانند و گاه حتی عکس آن چیزی که از آن‌ها خواسته می‌شود، رفتار می‌کنند. از سوی دیگر، متن‌های نمایشی قابل دسترس برای دانش‌آموزان، موضوعاتی را در برمی‌گیرد که با زندگی امروزی دانش‌آموز، حساسیت‌ها و علائق او فاصله زیادی دارد. در نتیجه، هم اجرا و هم دیدن آن، رغبتی در او برنمی‌انگیزد.

رهیافت‌ها

دلایلی که در آغاز سخن بر شمردیم، تئاتر مدارس به توجه بیشتری نیاز دارد؛ چرا که آن چنان ظرفیتی دارد که در صورت رسیدگی، می‌تواند منبع پایان‌ناپذیری برای تغذیه تئاتر دانشجویی و در گام

